



دانشگاه علامه طباطبائی

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد رشته مطالعات خاورمیانه و شمال افریقا

# تأثیر زمینه های همکاری اقتصادی ایران و عراق بر سیاست خارجی ج.ا.ایران

استاد راهنما : جناب دکتر هادی آجیلی

استاد مشاور : جناب دکتر اصغر جعفری ولدانی

دانشجو: پویا عارفی مقدم

تابستان ۱۳۹۲

بِحَدِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرَّبِيعِ

تقدیم به پدر و مادرم

و

به امید روزی که هیچ کودکی از آغوش مادرش باز نماند...

## فهرست

و	چکیده .....
ح	پیش گفتار.....
۱	کلیات .....
فصل اول: چارچوب نظری	
۶	مقدمه .....
۷	همگرایی منطقه ای .....
۱۳	کارکردگرایی - دیویدمیترا نی .....
۱۷	نوکارکردگرایی - ارنست هاس و فیلیپ اشمیتز .....
۲۵	نوکارکردگرایی - جوزف نای .....
۲۹	نظریه ارتباطات - کارل دویچ .....
۳۲	منطقه‌گرایی جدید .....
۴۳	منابع فصل اول .....
فصل دوم: روابط ایران و عراق ؛ یک رویکرد تاریخی	
۴۸	مقدمه .....
۴۹	جنگ جهانی اول و تشکیل عراق .....

۷۴	روابط ایران و عراق پس از سقوط صدام حسین
۷۹	منابع فصل دوم
	فصل سوم: روابط ایران و عراق؛ یک رویکرد اقتصادی
۸۲	مقدمه
۸۴	روابط اقتصادی و بازرگانی
۹۴	بررسی وضعیت و پتانسیل بخش‌های اقتصادی اولویت‌دار عراق
۱۰۵	تحلیل موقعیت
۱۰۹	نفت و گاز
۱۲۴	منابع فصل سوم
	فصل چهارم: تأثیر همکاری‌های اقتصادی دو کشور بر سیاست خارجی ایران
	(ترسیم یک چشم انداز)
۱۲۷	مقدمه
۱۳۵	ترسیم چشم انداز روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق
۱۴۵	منابع فصل چهارم
۱۴۷	نتیجه‌گیری
۱۴۹	منابع
۱۵۸	پیوست ۱
۱۶۰	پیوست ۲

## چکیده

این پژوهش در پی بررسی تأثیر زمینه های همکاری اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می باشد. به ضرورت پژوهش فوق سؤال اصلی بدین شکل طرح گردید که چه تأثیری همکاری های اقتصادی دو کشور بر سیاست خارجی ایران دارد. در پاسخ به این پرسش نگارنده فرضیه زیر را مطرح نمود که همکاری اقتصادی ایران و عراق از طریق ارتقای توانمندی های ملی و افزایش نقش و منزلت منطقه ای ایران، سبب فرصت سازی در سیاست خارجی می شود.

جهت نیل به این هدف « منطقه گرایی جدید» به عنوان چارچوب نظری بحث در نظر گرفته شد چرا که تغییر ماهیت روابط بین الملل از امنیتی - استراتژیک به اقتصادی - رفاهی در کنار اهمیت روزافزون مناطق به عنوان یکی از کانون های مهم سیاست جهانی و تبدیل همکاری های منطقه ای به یکی از اصلی ترین راهکارهای سامان امور در جهان، این رهیافت نظری را غیرقابل چشم پوشی ساخته است.

در بررسی صورت گرفته مشخص گردید که مبادلات فعلی اقتصادی دو کشور کمتر از آن چیزی است که نقشی تعیین کننده در سیاست ها برعهده گیرد لکن وجود زمینه های فراوان در کنار مشاهده نرخ رشد همکاری های اقتصادی سال های اخیر دو کشور در کنار پذیرش استفاده گسترده از درآمدهای نفتی در پاسخگویی به نیازهای اساسی مردمان، نزد رهبران عراقی، نوید دهنده آینده ای متفاوت است. از این رو نگارنده با طراحی یک چشم انداز،

فرصت های ناشی از گسترش همکاری های اقتصادی بین دو کشور در افزایش توان ملی  
ج.ا.ایران و همچنین بهره گیری از عراق متحد و نیازمند به کالا و خدمات را در روابط دو  
جانبه، نفوذ ایران در منطقه و تنظیم روابط با قدرت های فرا منطقه ای ترسیم نموده است.

## پیش گفتار

« [ فریدون ] ایرج را سرزمین فارس و عراق داد و این ولایت  
را ایرانشهر نام کرد یعنی شهر ایرج. روم و مصر و مغرب را  
به مرسلّم را داد و ترک و تبت مرتور را داد... »<sup>۱</sup>

خصلت های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایران و عراق تنیده تر از آن چیزی است که اغلب تصور می شود. شاید ایرانیِ معاصر عراق را کشوری نوپا، بیگانه و مملوء از خشونت و آشفتگی تصویر کند اما، روزگار سخنان دیگری را نیز در سینه دارد. این سرزمین ها در ازمنه مختلف حوادث مشابهی را به خود دیده اند. اگر حاکمی از پارس بود؛ حُکمش بر هر دو نافذ بود. اگر بنا بود خطبه ای خوانده شود؛ به نام خلیفه ای واحد خوانده می شد. اگر قرار بود به دست ترک و مغولی ویران شوند تفاوتی بین ری و بغداد نبود. اگر در گُمبرون کشتی هایی با پرچم های اروپایی پهلو می گرفتند، مقصد بعدی بصره بود و اگر کارزار جنگ های جهانی به خاورمیانه می رسید سرنوشتی جز اشغال مقدر نبود.

علی رغم نکات فوق رابطه دو کشور در دهه های اخیر را می توان با واژگانی چون تهدید و تنش به بهترین شکل توصیف کرد. موقعیت ژئوپلیتیکی، تحدید مرزها، دنباله های قومی و قبیله ای و تضادهای هویتی از اصلی ترین دلایل بروز تنش میان آن دو بود. لکن قدرت گیری هم پیمانان سابق ایران در عراق در کنار تغییر ماهیت روابط بین الملل از امنیتی به اقتصادی-

---

۱ بهرامی، عسکر، تاریخ اساطیری ایران، تهران، نقنوس، ۱۳۸۸



رفاهی مسبب دگرگونی در زمینه های ادراکی و ذهنی رهبران آن دو گشته است. برای بهره گیری از این فرصت پدید آمده در کنار مدیریت چالش های پیش رو طراحی افق ها و چشم انداز های روشن ضروری می نماید. استفاده از ابزار های اقتصادی در پیشبرد اهداف ملی، گسترش توانمندی های صنعتی - تجاری کشور از طریق دیپلماسی اقتصادی و به طور کلی توجه به منطقه گرایی به عنوان یکی از اصلی ترین راهکارهای سامان امور در جهان از ضروریات ظهور و بروز هر کشوری در جهان متلاطم امروزی است.

این نوشتار کوششی جهت برجسته سازی آن بخش از روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق است که کمتر مورد توجه تصمیم سازان این حوزه قرار گرفته است. در پایان ضمن سپاس از اساتید صبورم جناب دکتر هادی آجیلی و جناب دکتر اصغر جعفری ولدانی از آقای مجید قربانی فراز مسئول محترم امور تجاری عراق در سازمان توسعه تجارت ایران وهم چنین کارشناسان محترم مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی که اگر معاضدت ها و راهنمایی هایشان نبود این پژوهش به سرانجام نمی رسید؛ تشکر می نمایم.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> از صاحب نظران گرامی تقاضا میشود نکات و نقدهای خویش را از این حقیر دریغ نفرمایند.

## کلیات

### موضوع پژوهش :

این تحقیق در پی بررسی تاثیر زمینه های همکاری اقتصادی میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می باشد.

### بیان مسئله :

تمرکز این پژوهش بر ظرفیت های اقتصادی ایران و عراق، در جهت همگرایی دو کشور و تبدیل آن به ابزار پیشبرد سیاست خارجی ج.ا.ایران است. علیرغم آن که گفتمان اقتصادی در روابط بین الملل امروز به ضرورتی غیر قابل کتمان در مناسبات میان کشور ها تبدیل گشته است، لکن کم مهری تصمیم سازان و تصمیم گیران به موضوعاتی از این دست، آن را در دسته ظرفیت های بالقوه کشور قرار داده است. نظر به لزوم بهره مندی از ظرفیت های اقتصادی در پی گیری اهداف سیاست خارجی (در کنار افزایش قدرت ملی) این عنوان برای نگارش پایان نامه انتخاب گردید.

در بررسی های به عمل آمده مشخص شد که عدم تمایل رهبران به موضوعاتی مانند تجارت بین الملل ، مالیه بین الملل ، دیپلماسی اقتصادی و منطقه گرایی سبب گردیده کشور نتواند جایگاه مناسب شأن خود را در موارد فوق احراز کند به طوری که علیرغم روند رو به رشد

مبادلات دو کشور در دهه اخیر حجم این مبادلات از شش میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ فراتر نمی رود. در نتیجه، این سطح از روابط در حوزه اقتصادی فاقد توانایی اثر گذاری بر سیاست هاست. از این رو این دانش پژوه اقدام به بررسی زمینه های مستعد همکاری اقتصادی میان دو کشور نموده و نقش آنان را در سیاست خارجی ج.ا.ایران در قالب آینده پژوهی و طراحی چشم انداز منعکس کرده است.

### اهداف پژوهش :

برجسته سازی زمینه های پیشبرد سیاست خارجی در بستر همکاری های اقتصادی و ضرورت پیگیری منطقه گرایی به عنوان یکی از راه های اصلی سامان امور در عصر جدید و همچنین افزایش توانمندی اقتصادی کشور در جهت تحقق اهداف مذکور در سند چشم انداز بیست و سه ساله ج.ا.ایران از اهداف این پژوهش به شمار می آید.

در این راستا آشنایی با شرایط عمومی اقتصادی عراق ، کمبود ها، زمینه های همکاری ، فرصت های مغفول اقتصادی و راهکارهای حضور پایدار در بازار عراق مورد توجه است. همچنین مروری بر فراز و فرودهای سیاسی دو کشور بعد از تشکیل عراق در کنار نگاهی بر مناسبات اقتصادی طرفین از دیگر خواسته های نویسنده است . هدف نهایی نیز به فرصت های پدید آمده در سیاست خارجی ایران از طریق مناسبات اقتصادی توجه دارد. هرچند پژوهش پیش رو به دلیل روابط نه چندان وسیع اقتصادی دو کشور، در واکاوی فرصت های سیاسی ناشی از ابزارهای اقتصادی بر سیاست خارجی کنونی ج.ا.ایران کم توفیق بود؛ لکن با شناسایی

راهکارهای حضور پایدار اقتصادی در عراق و ترسیم یک چشم انداز بر مبنای نهادینه سازی روابط سیاسی دو کشور با ابزار اقتصادی قدمی کوچک به پیش به شمار می آید.

### ضرورت پژوهش :

دستیابی به اهداف مذکور در سند چشم انداز بیست ساله ج.ا.ایران مستلزم بهره گیری و گسترش ظرفیت های اقتصادی کشور می باشد که جهت تحقق آن راهی جز افزایش مبادلات تجاری با سایر واحدها وجود ندارد. در کنار این موضوع ضرورت بهره گیری از ابزار های اقتصادی در پیشبرد سیاست خارجی و کم توجهی به آن در سیاست خارجی ج.ا.ایران از یک طرف و ضرورت نهادینه سازی روابط سیاسی با کشورهای همسایه بالاخص از مسیر اقتصاد نگارنده را به بررسی این موضوع علاقمند ساخت. همانطور که اشاره شد نکته مهم در این میان کم توجهی صاحب نظران در تعمیق روابط سیاسی دو کشور بر مبنایی جدا از مسایل سیاسی - ایدئولوژیک است که از این جهت این پژوهش را از سایر پژوهش های مشابه متمایز می سازد.

ذکر این نکته نیز خالی از فایده به نظر نمی رسد که هیچ کشوری مانند عراق طی نیم قرن اخیر برای ایران تهدید آفرین نبوده است. گسترش همکاری ها بین دو کشور سبب رفع این تهدید و امنیت مرزهای غربی می شود مضاف بر آن، عراق به عنوان کشوری عرب و عمدتاً شیعه، نقشی تعیین کننده در تنظیم روابط ایران با جهان عرب و جهان تشیع دارد. هم چنین این کشور

می تواند با پذیرش نقش هایی چون میانجی گری به کاهش تنش در روابط ایران با قدرت های فرامنطقه ای بپردازد.

**پرسش اصلی :** روابط ایران و عراق در حوزه اقتصادی چه تاثیری بر سیاست خارجی

ج.ا.ایران در روابط دوجانبه و در سطح منطقه دارد؟

**فرضیه اصلی :** همکاری اقتصادی دو کشور از طریق افزایش توانمندی های ملی و ارتقای

نقش و منزلت منطقه ای ایران ، سبب فرصت سازی در سیاست خارجی می شود.

**پرسش فرعی :** آیا با وجود اقتصادهای مشابه نفتی در دو کشور، امکان همکاری های گسترده

اقتصادی میان دو کشور وجود دارد؟

**فرضیه فرعی :** همکاری اقتصادی ایران و عراق علیرغم آنکه همزمان حامل چالش و فرصت

است، فرصت فراوانی در حوزه اقتصادی برای ایران به همراه دارد چرا که جمهوری عراق

نیازمند سایر کشورها جهت تامین کالا و خدمات مورد نیاز خویش است.

**متغیرهای پژوهش :**

متغیر مستقل : همکاری های اقتصادی میان ایران و عراق

متغیر وابسته : سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

مقطع زمانی : از سال ۲۰۰۳ همزمان با سقوط صدام حسین تا زمان مورد نظر چشم انداز

طراحی شده در سال ۲۰۳۰

روش تحقیق :

روش تحقیق، روش تبیین علی است چرا که در جستجوی تاثیر متغیر مستقل همکاری های اقتصادی بر متغیر وابسته سیاست خارجی ایران می باشد.

روش گراوری اطلاعات : کتابخانه ای و میدانی

تعریف مفاهیم :

فرصت سازی در سیاست خارجی : به معنای جستجوی راه های جدید و یا بهره گیری صحیح تر از امکانات موجود جهت کسب منافع و اهداف ملی می باشد.

چشم انداز : چشم انداز به عنوان یکی از روش های آینده نگاری به معنای ترسیم یک آینده مطلوب است. این آینده شامل توصیفی روشن از وضعیتی است که به هنگام دستیابی به اهداف به وجود می آید.

## سوابق تحقیق :

در مورد همکاری های اقتصادی ایران و عراق مطالعات قابل توجهی عمدتاً توسط پژوهشگران اقتصادی صورت گرفته است. به عنوان نمونه کتاب «روابط اقتصادی ایران و عراق، چشم اندازها و فرصت ها» به کوشش فرهاد صدیق و عادل قربانی و همچنین «راهنمای تجارت با عراق» اثر کیومرث شریفی از موارد قابل ذکر است. در مورد منابع مجازی نیز سایت اتاق بازرگانی ایران مخصوصاً در زمینه مسایل آماری حائز اهمیت است. اما در مورد روابط سیاسی دو کشور پژوهش ها بیشتر مبتنی بر تشابهات فرهنگی مذهبی و سابقه مناسب زمامداران فعلی عراق با حکومت ج.ا.ایران می باشد. به عنوان مثال می توان از کتاب «ایران، عراق جدید و نظام سیاسی - امنیتی خلیج فارس» نتیجه تلاش دکتر کیهان برزگر نام برد. لکن در مورد منطقه گرایی در روابط دو کشور و تاثیر همکاری های اقتصادی بر روابط دو کشور منابع مشخصی وجود ندارد، این رو این نوشتار تلاشی جدید در این حوزه به شمار می آید.

## ساماندهی پژوهش :

این تحقیق در یک مقدمه و چهار فصل به نگارش در آمده است. در مقدمه به بررسی کلیات تحقیق پرداخته شده است. در فصل اول با بررسی چارچوب نظری بحث که تحت تاثیر منطقه گرایی جدید است ؛ سپری شده است. فصل دوم تاریخ روابط دو سرزمین بعد از تشکیل عراق را مورد مذاقه قرارداده و در فصل سوم با رویکردی اقتصاد - محور هم نگاهی اجمالی به

وضعیت عمومی اقتصادی عراق شده است و هم زمینه های همکاری اقتصادی دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. فصل پایانی نیز به طراحی یک چشم انداز در مورد سیاست خارجی ج.ا.ایران در صورت تحقق اهداف ناشی از فرصت های همکاری جویانه اقتصادی اختصاص یافته است.



## فصل اول

چارچوب نظری:

منطقه گرایي

## مقدمه

تجربیات برآمده از واقعیات، نیاز به همکاری در بین جوامع را، امری غیر قابل چشم‌پوشی ساخته است. این نیاز که از ناتوانی دولت‌ها در پیشبرد اهداف و منافع ملی و فراملی مایه می‌گیرد به همکاری، نه به عنوان یک گزینه بلکه به عنوان یک ضرورت می‌نگرد. به گونه‌ای که در دنیای متلاطم امروز، همکاری‌های فراملی به بخش جدانشدنی از سیاست‌ها تبدیل گشته و کشورها عامدانه به گسترده‌سازی همکاری‌های بین‌خویش دامن می‌زنند. چرا که تحقق اهدافشان در گرو فشردن دست‌های همکاری جویانه با دیگر واحدهاست.

اما آنچه از نظر نباید دور انگاشت این مساله حیاتی است که ماهیت نظام بین‌المللی حاکم به گونه‌ای است که همکاری و معاضدت به شکلی خودکار حادث نمی‌گردد و بازیگران بین‌المللی در جهت همکاری گام برنداشته مگر این نیاز مبرم گردد که گام نهادن در مسیر همکاری آنها را از نیازی مستغنی و در نهایت منجر به تأمین منافع ملی آنها خواهد گردید (دهشیر، ۹۵۱: ۱۳۸۲).

از طرف دیگر «مناطق»<sup>۱</sup> در حال تبدیل شدن به کانون مهم سیاست جهان هستند. ادعای اصلی گزاره مذکور این است که مناطق \_ دولت‌ها و مردمانی که از نظر جغرافیایی در مجاورت هم قرار دارند - بازیگران، هویت‌ها، یا صحنه‌های اصلی سیاست جهان یا در حال تبدیل شدن به آنها (فرای، ۲۱۷: ۱۳۹۰). برای اثبات ادعای

---

<sup>۱</sup> Regions

فوق می‌توان به گسترش و ایجاد سازمان‌ها و نهادها در مناطق مختلف جهان با دستور کارهای متنوع، نقش آفرینی شکل‌های منطقه‌ای در بحران‌های محلی با حمایت سازمان ملل و ایالات متحده- خاصه در نقاطی که در آن‌ها امریکا منافع حیاتی ندارد -، محدودیت‌های جهان تک قطبی برای امنیت‌سازی، تحولات اقتصادی گسترده و بالاخره تضعیف حاکمیت دولت‌های ملی به واسطه جهانی شدن اشاره داشت (فرای، صص ۲۲۱-۲۱۹: ۱۳۹۰).

لذا همکاری‌های منطقه‌ای به یکی از اصلی‌ترین راهکارهای سامان امور در جهان تبدیل شده و روز به روز گرایش به چنین شیوه‌های بیشتر مورد اقبال کشورها قرار گرفته است.

### هم‌گرایی منطقه‌ای

شاید بتوان آغاز طرح‌های مشترک همکاری جویانه بین‌المللی را به سال‌های قرن نوزدهم بازگرداند. تدوین رژیم حقوقی دریای سیاه با حضور کشورهای مختلف ذینفع در کنفرانس پاریس (۱۸۵۶م) به تحقق پیوست. هم‌چنین برای رسیدگی به نقض مقررات این کنوانسیون از جانب روسیه «کنگره برلن» در ۱۸۷۱ تشکیل گردید. نیز با توجه به رقابت تجاری و سیاسی قدرت‌های اروپایی قرن نوزدهم در افریقا، کنفرانس ۱۸۸۴ و ۱۸۸۵ برلن به منظور تنظیم فعالیت کشورهای اروپایی در آن قاره تشکیل شدند. کنفرانس‌های لاهه نیز به سال‌های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در جهت وضع

مقررات بین‌المللی در زمینه حقوق جنگ دریایی و زمینی (موسی زاده ، ۱۳۸۸: ۲۷) .  
نخستین گام‌های موثر در ایجاد سازمان‌های بین‌المللی در همین دوران با تشکیل  
اتحادیه بین‌المللی تلگراف (۱۸۶۵) و اتحادیه پست (۱۸۷۴) برداشته شد. در نتیجه  
فکر ایجاد سازمان‌های بین‌المللی که از تحقق همین «اتحادیه‌های اداری» برخاسته  
بود، کم‌کم رشد نمود و به ثمر رسید و در خدمت صلح و امنیت و همبستگی  
بین‌المللی قرار گرفت (آقایی، ۱۳۸۸: ۲۷)

پس از ویرانی‌های حاصل از جنگ دوم جهانی دو احساس در تضاد با هم در دو  
بخش از جهان ریشه دواند: اولی فراملی‌گرایی در اروپا و دیگری ناسیونالیسم در  
جهان سوم. اروپاییان زخم خورده از دو جنگ بر آن شدند که به راه‌های جلوگیری از  
تکرار چنین وقایعی بیاورند. لذا با متهم دانستن تمایلات افراطی ملی‌گرایانه، تلاش  
جهت به حاشیه نشاندن آن را، از طریق فرآیند «وحدت» آغاز کردند. سنگ‌بنای اولیه  
در این میان با تشکیل «جامعه زغال و فولاد» (۱۹۵۱) به پیشنهاد «رابرت شومان» -  
وزیر امور خارجه فرانسه - گذاشته شد. به دنبال آن دو جامعه دیگر یعنی «جامعه  
انرژی اروپا» و «جامعه اقتصادی اروپا» (بازار مشترک) به موجب معاهده رم در ۱۹۵۷  
تشکیل گردید. این رفتارهای همکاری جویانه با پشتیبانی تئوریک کارکردگرایان و  
نوکارکردگرایان همراه بود. تئوری‌هایی که طی سال‌های دهه‌های ۶۰-۵۰ قادر به  
تبیین پاره‌ای از تحولات بین‌المللی بودند. اما تصمیم «دوگلا» مبنی بر تحریم نشت  
EEC در اواخر دهه ۶۰، ضربه‌ای کاری بر پیکره این رویکرد وارد آورد. پی‌آن رکود